

ترکیب کارگران در تشکلات مستقل اهمیت اساسی در ایجاد جنبش کارگری دارد

گروه پژوهش کارگری

اعتراضات روزافزون کارگران در سراسر جهان به امری اجتناب ناپذیر بدل گشته و این نشانه آنست که دیگر کارگران و اکثریت اقشار حقوق بگیر که بطور نسبی در کشورهای خود تحت شرایط سختی بسر می برند ، خواهان تغییر زندگی خود در قریه هستند که امکان زندگی مکفی برای همه وجود دارد . اعتراضات کارگران و زحمتکشان نه تنها در اکثر کشورهای جهان چه عقب مانده ، چه در حال رشد و چه پیشرفته در اخبار روزانه سایتها و رسانه ها منعکس است ، بلکه این اعتراضات چنان همگانی شده که در بیشتر کشورهای باور براینست که ۹۹ درصد مردم هر کشور زیر سلطه ۱ درصدی قرار دارند که همه منابع اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و اجتماعی را با حمایت دولتها در دست دارند . طبیعی است که مبارزه کارگران و زحمتکشان در کشورهای نامبرده متفاوت بوده و تاکتیک های متمایزی در آنها جریان خواهد داشت ، اما آنچه در همه آنها مشترک است مبارزه بر علیه سلطه نظام سرمایه داری و دولتهای مقتدری است که برپایه استثمار کارگران ، حکومت کرده و امکان رسیدن به سوسیالیسم را سد کرده اند . تجربه مبارزاتی نشان داده که تشکل کارگران زمانی برای خواسته ای پیروز شده که تشکلهای نیرومندی بر محور آن خواسته سازماندهی شده باشند ، اما عدم پیگیری مبارزه چه بدلیل سرکوب همه جانبه دولتها و حکومتها و چه بدلیل نوع تشکلات کارگران ، موجب تحکیم حکومت و شکست مبارزه کارگران شده است . ترکیب رهبری تشکلات مستقل کارگری و سرانجام جنبش کارگری در مبارزه اهمیت اساسی داشته و تعیین خواهد نمود که مبارزه تا کجا ادامه یابد.

اگر از طرفی بتدریج مبارزات طبقاتی با سلطه نظام سرمایه داری در کشورهای پیشرفته کمرنگ گردید ، از طرف دیگر این مبارزه بدلیل انحراف انقلابات سوسیالیستی در کشورهایی همچون شوروی ، چین و سایرین ضربه سختی خورده و جذب سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی را برای کارگران کمرنگ نمود . پس از سالها مبارزات طبقاتی کارگران کشورهای پیشرفته برای ایجاد تحول ، تقابل کارگران با کارفرماها برای حل مشکلات در قالب اتحادیه های کارگری کاملاً صنفی به کمیون سه جانبه ای ارجاع گردید که نمایندگان دولت و کارفرما دو سر آن بوده و نمایندگان کارگران سر ضعیف تری را تشکیل می داد که باید هزینه های سرسام آور دادگاه را از پول کارگران عضو بپردازد . تغییر دولتها در قالب دو حزب بزرگ کشورهای غربی نه تنها هیچگاه نتوانست از بحرانهای اقتصادی که بدست خود آنها ایجاد شده ، جلوگیری نموده بلکه بدلیل کنترل صندوق بین المللی پول بر نحوه هزینه ها با توجیه ریاضت اقتصادی ، آمار بیکاری افزایش یافته و امکانات رفاهی کارگران و زحمتکشان کاهش یافته است . بی جهت نیست که نوک پیکان حمله معترضین کارگر و سایر اقشار ناراضی با ایجاد اعتصابات و تجمع خیابانی در این کشورها بسوی این صندوق و همچنین بازارهای بورس همچون وال استریت نشانه رفته که موجب افزایش بی رویه نرخ

محصولات بدون ایجاد ارزش واقعی می گردند . هرچند نشانه اعتراضات در امریکا بطور مقطعی کمتر شده ، اما در کشورهای پیشرفته اروپایی همچون انگلیس ، ایتالیا ، اسپانیا ، یونان با کنترل و شدت بیشتر اتحادیه های کارگری ادامه داشته و باید که در ادامه به تحولی در نوع تشکیلات کارگری و نحوه مبارزه آنها با دولتهایشان منجر گردد تا به پیروزی نسبی برسند.

اعتصابات و اعتراضات کارگران در کشورهای غربی که گاه با تجمع هزاران نفری در خیابانهای آن کشورها ادامه داشته ، حتی اگر دلیل نوع تشکیلاتی اتحادیه ها به توافقی برسند حتما کوتاه مدت خواهد بود و بتدریج اکثریت کارگران و زحمتکشان درک خواهند کرد که بحرانهای اقتصادی نه بدلیل رفاه نسبی موجود در جامعه است که قبلا در اثر مبارزه با کارفرماها و دولتها بدست آمده ، بلکه بدلیل سود بیشتر شرکتهای بین المللی و تضاد طبقاتی است . دیر نخواهد بود که چنین اعتصابات و تجمعی در کشورهای روسیه و چین نیز که با دیکتاتوری و فشار نیروهای نظامی و امنیتی توانسته اند تا حدودی جوامع خود را کنترل کنند ، روی دهد و در نتیجه موج بحرکت درآمده کارگران بدلیل وجود میلیونها نفر در واحدهای صنعتی این کشورها ، قابل کنترل نخواهد بود . انتقال تولید انبوه کشورهای پیشرفته در کشورهایی همچون چین ، هند ، برزیل ، آرژانتین ، مکزیک ، سنگاپور ، تایوان ، اندونزی ، سایر کشورهای آفریقایی و آسیایی اگرچه با کنترل دولتهای آن کشورها ، موجب گشته تا سود سرشاری نصیب شرکتهای بین المللی گردد ، اما اعتراضات و اعتصابات فراگیر کارگران در این کشورها هیچگاه متوقف نشده و در آینده با تشدید فاصله طبقاتی افزایش خواهد یافت . اعتصابات اخیر در معادن آفریقای جنوبی که با کشته شدن بسیاری از کارگران توأم بوده و همچنان دولت آن کشور نتوانسته است آرامشی را در بین کارگران ایجاد کند ، درستی این امر که کارگران رنگ آسایش و دموکراسی را تا زمانی که سلطه طبقاتی برجاست ، نخواهند دید را ثابت می کند.

جنبشهای دموکراتیک به مفهوم جدید نیز همزمان با تحول جوامع از فئودالیسم به سرمایه داری و در تداوم مبارزه طبقاتی کارگران جریان داشته و در اشکال گوناگون همچون حق رای عمومی و برابر ، حق آزادی تفکر و ادیان ، حق برابری جنسیتی مرد و زن ، حق آزادی ملتها از دست دولتهای امپریالیستی ، حق آزادی فرهنگ و زبان قومیتها ، حق اعتصاب و تشکل و موارد دیگر خود را بروز داده اند . این حقوق اگرچه در کشورهای پیشرفته بطور نسبی برقرار بوده ولی فاصله عمیقی تا اجرای کامل آنها بدلیل وجود تضاد طبقاتی دارد و طبعا این حقوق که به اصول حقوق بشر سازمان ملل تبدیل شده اند ، در کشورهای در حال رشد و عقب مانده گاه فاجعه آورند . بنابراین اقشار گوناگون این جوامع بسته به نسبتی از این حقوق مدنی که در آنها کسب شده ، به تلاشهای خود برای ارتقا و یا تحقق بخشی از آن اصول می پردازند . جنبشهای دموکراتیک در حقیقت بدست اقشار متوسط یک جامعه رهبری می گردد که سمت راست آنرا ، خرده بورژوازی و حتی بخشهایی از جناحهای حاکمه رانده شده از قدرت تشکیل داده و سمت چپ آنرا ، گروههای چپ و سوسیال دموکراتی تشکیل میدهند که گاه بسیاری از کارگران و بخشهایی از جنبش کارگری را نیز بدنبال خود می کشانند . بیش از دو قرن از ایجاد کشورهای سرمایه داری می گذرد و همواره دولتها بکمک شرکتهای بزرگ و سپس بین المللی در برابر مبارزه ای قرار گرفته اند که از طرف جنبشهای دموکراتیک و یا کارگری برای تحقق اصول مدنی یک جامعه دموکراتیک و یا تحقق سوسیالیسم ، موجودیت آنها را به خطر انداخته اند . اما سلطه طبقاتی با حمایت مستقیم دولتهای پیشرفته و حکومتهای دیکتاتور کشورهای در حال رشد و عقب مانده ، توانسته اند که بر جنبشهای دموکراتیک و یا کارگری غلبه کرده و موازنه قوا را بسود خود بچرخانند ، گرچه مبارزه طبقاتی همواره جریان داشته و

خواهد داشت.

روشنفکران که وظیفه آگاه کردن مردم کشورهای درحال رشد و عقب مانده را به تبع دموکراسی حاصل از کشورهای اروپای غربی داشته و دارند ، تلاش کردند تا افکار مترقی و حقوق مدنی حاصل از آنرا به مردم کشورشان بشناسانند و از پس این ترویج فرهنگی به جنبشهای دموکراتیکی دامن زده تا دست دیکتاتورها را از قدرت خلع کنند ، جنبش مشروطه ایران نمونه ای از چنین حرکتی بود . استقلال هندوستان با جنبشی که توسط گاندی و سپس نهرو براه افتاد ، شکست بریتانیای کبیری را رقم زد که بگفته رهبرانسان سرزمین پهناور آنها از طلوع خورشید تا غروب آن ادامه داشت و این مقدمه ای بود تا کشورهای دیگری در ۵ قاره جهان نیز طعم استقلال را بچشند . از آنزمان جنبشهای دموکراتیک و سوسیالیستی متعددی در دیگر کشورهای جهان توانستند تا دیکتاتورهای بومی و دولتهای امپریالیستی را شکست دهند که کشورهای همچون آفریقای جنوبی ، اندونزی ، مکزیک ، ایران سال ۱۳۵۷ و اخیرا چند کشور عربی نمونه هایی از جنبشهای دموکراتیک بوده و کشورهای همچون روسیه ، چین ، ویتنام و کوبا نمونه های انقلابات سوسیالیستی هستند . گرچه در همه کشورهای متحول شده ، تغییراتی صورت گرفت و مردم برخی از آنها به بخشی از حقوق مدنی و صنفی خود دست یافتند ، اما آن نتیجه ای که برایش به مبارزه برخاسته بودند در هیچکدام از آنها حاصل نگردید ؛ نه اصول حقوق بشر در کشورهای تحت جنبش دموکراتیک به نسبت کشورهای غربی بدست آمد و نه آن انقلابات سوسیالیستی به سلطه طبقاتی سرمایه داری پایان داد . پیروز این میدان دولتهای غربی و هم پیمانان شرکتهای امپریالیستی بودند که اصول حقوق بشر را تنها در جوامعی نظیر خود میسر می دانستند و این امری است که اقشار متوسط کشورهای تحت دیکتاتوری نیز بدلیل ترکیب طبقاتی مجبور به پذیرش آن بعنوان ایده آل گشته اند.

تردیدی نیست که استراتژی جنبشهای دموکراتیک نه سوسیالیسم بلکه یک جامعه مدنی مشابه کشورهای پیشرفته غربی است که نهایتا به ایده آلی همچون کشورهای سوئد و دانمارک تبدیل گردد ، لذا پیروی جنبش کارگری بصورتی که رهبری را به آن جنبشها واگذار کند ، هرگز موجب رهایی کارگران از سلطه طبقاتی نخواهد گردید . نمونه اخیر کشور آفریقای جنوبی است که با جنبشی عظیم برهبری ماندلا قادر شد تا دیکتاتور رژیم نژاد پرست تحت حمایت همه قدرتهای غربی را وادار به خروج از حکومت نموده و قدرت را بدست رهبران جنبش دموکراتیک در آورد ، اما چند سال بعد اعتصابات کارگران معادن برای اضافه حقوق به کشتار آنها انجامید . همچنانکه هرگونه حرکت کارگری در چین و روسیه نیز حتما با سرکوب نیروهای امنیتی و نظامی روبرو شده و خواهد شد ، چند نمونه از وضعیت فاجعه بار کارگران کشورهای مختلف در پیوست آورده شده اند . سلطه طبقاتی جوامع سرمایه داری در هر کشوری ویژگی خاص خود را دارا بوده و باید از طریق سازماندهی کارگران آن کشور و ایجاد تشکلات مستقل کارگران با کمک سایر اقشار برچیده شود . تجارب جنبشهای دموکراتیک و سوسیالیستی باید به کارگران آگاه فهمانده باشد تا در مبارزه طبقاتی که در پیش دارند ، نه تنها به سازماندهی جنبش کارگران در پروسه اعتراضات ، اعتصابات و تجمعهای کارگری در خیابانها ، محل کارخانه ها و مراکز دولتی پرداخته ، بلکه باید به ترکیب و پایگاه کارگرانی که جنبش کارگری را رهبری می کنند نیز توجه کنند.

در پروسه سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران ، همواره نیروهایی از سوسیال دموکراسی و گروههای چپ باور به سوسیالیسم کارگران را فدای دموکراتیسم نموده ، همانطور که بخشی از کارگران نیز برای خواسته های صنفی به بافتهای زرد وابسته به دولت و جناحهای حکومت چسبیده و از مبارزه فاصله می گیرند . در همین پروسه بخشی از گروههای سیاسی با توجیه آثار مارکس و لنین و دیگران به دعوی

ایدئولوژیکی پرداخته و پراتیک درون طبقه را فدای رهبری گروهی می نمایند و چون تنها خود را سوسیالیست و کمونیست پنداشته ، به نفی سایرگروههای چپ می پردازند . متأسفانه بسیاری از این گروههای چپ و برخی منفردین سیاسی بدلیل دور بودن از پراتیک ، به مبارزه اکثر کارگران آگاه و فعالین کارگری از جنبه منفی برخورد کرده و با استناد به تئوری لنین و دیگران و بدون توجه به ویژگی مبارزه ، آنرا رفرمیستی و انحرافی می نامند . اما در پروسه ایجاد جنبش کارگری بسیاری از فعالان گروههای چپ و فعالین کارگری با پشتیبانی از کارگران آگاه ، تلاش دارند تا به سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگران پرداخته و از درون آنها به ایجاد تشکلات مستقل کارگری بپردازند . کارگران مبارز باید تلاش کنند تا با تبدیل خود به سیاسی حرفه ای از پایگاه کارگری خود خارج نشده و رهبری جنبش کارگری را نیز به فعالینی ندهند تا نتیجه انقلابات گذشته سوسیالیستی تکرار گردد . طبیعی است که پس از ایجاد جنبش کارگری نیرومند ، بسیاری از نیروهای چپ ، سوسیال دموکرات و حتی دموکرات به حرکت پیوسته و حکومت در مقابل جنبش نیرومندتری قرار خواهد گرفت .

در کشور ایران که ولایت فقیه نقش حاکم را نیز بعهدہ دارد (ترکیب شرع و عرف) (با توجه به اهمیت دین در زندگی مردم ، استبداد بیشتری در داخل نسبت به کشورهای دارای دیکتاتوری برقرار بوده و طبعاً جنبشهای دموکراتیک و کارگری با شدت بیشتری سرکوب می گردند . اگر ظاهر دوره ۸ ساله خاتمی موجب فریب بخش وسیعی از اقشار متوسط ، سوسیال دموکرات و کارگران گردید ، اگر دوره ۷ ساله احمدینژاد همچون سراسری بخشی از اقشار مختلف را فریب داد ، دیگر لازم است که همه جناحهای حکومت از خمینی ، بنی صدر ، رفسنجانی ، خامنه ای ، موسوی ، کروبی ، احمدینژاد ، عسگر اولادی ، لاریجانی گرفته تا مراجع تقلید ، فرماندهان سپاه و ارتش ، مسولان نظام ، اصولگرایان ، اصلاح طلبان و سایر جناحهای حکومت را همچون سران یک طبقه حاکم در نظر گرفت که هدف اصلی آنها حفظ نظام سرمایه داری و استثمار کارگران است . این چنین دیگر کارگران فریب جنگ زرگری جناحهای حکومت را نخواهند خورد که بنظر برای مردم خیرخواهانه و اصلاح طلبی وانمود می گردد . دیگر کارگران نباید فریب شعارهای تبلیغاتی مسولان را بدلیل تقسیم بخش ناچیزی از فروش نفت که متعلق به جامعه است را تحت نام یارانه بخورند ، درحالیکه بخش عظیم فروش نفت و سایر منابع طبیعی کشور به جیب آنها رفته و همچنان می رود . دیگر کارگران نباید فریب شعار انتخاباتی جناحهای حکومت و یا فدای جنگ طلبی آنها را بخورند ، درحالیکه با چنان بودجه سنگینی چنین بحران بیکاری و اقتصادی را برای آنها رقم زده اند . دیگر کارگران نباید اسیر حرفهای شعار گونه مسولان خانه کارگر ، انجمنهای اسلامی ، حزب کار و دیگر تشکیلات وابسته و زرد را بخورند که خود در تصویب قانون ضد کارگری و بیکاری ایجاد شده با مسولان نظام شریک بوده و در نتیجه باید آنها را بافتی از طبقه حاکم بحساب آورد.

بحران اقتصادی و اجتماعی حاصل از این حکومت ۳۴ ساله ، موجب گشته که بسیاری از اقشار پایین سرمایه داری و اقشار متوسط به پایین جامعه سقوط کرده و خود را همتر از طبقه کارگر بپندارند . گرچه از طرفی خیل مخالفان حکومت افزایش می یابد ، اما کارگران آگاه باید دریابند که بسیاری از آنها در مبارزه ثابت قدم نبوده و در هر زمان با کمترین اصلاح و رفرم اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی کارگران را فدای امتیازات مقطعی بدست آمده ، خواهند نمود . اینکه کارگران در مبارزه جز زنجیری که بپای آنها بسته شده ، چیزی ندارند که از دست دهند ، شعار مقطعی نیست و برای همین کارگران تا استقرار سوسیالیسم و محو سلطه طبقاتی به مبارزه ادامه خواهند داد . اما اضافه شدن اقشار خرده بورژوازی و متوسط به کارگران ، فرهنگ و تمایلات آنها را نیز بدرون طبقه کارگر می کشاند و اگر آنها بتوانند در پروسه ایجاد جنبش

کارگری به رهبری دست یابند ، بتدریج مبارزه را از مسیر اصلی خارج می نمایند . رهبری و سیاست بازی همواره دو محوری است که موجب انحراف جنبشهای کارگری است و این موضوع حتی دامن کارگران آگاهی را که به سیاسیون حرفه ای بدل گشته را نیز رها نخواهد کرد . چاره کار کادر سازی درون کارگران است تا همواره کارگران بیشتری آماده باشند تا جایگزین کسانی گردند که در مدیریت تشکلات مستقل کارگران قرار دارند که با این ترتیب ضربات وارده ناشی از سرکوب نیز تشکل مستقل را منفعل و ضربه پذیر نخواهد کرد.

اگر طبقه سرمایه دار طرف مقابل مبارزه کارگران برای رهایی از سلطه طبقاتی است ، طرف دیگر مبارزه در درون کارگران آگاه ، تشکلات مستقل و جنبش کارگری است که مدام باید از افکار خرده بورژوازی و سوسیال دموکراسی پالایش گردد تا قادر باشند ، مبارزه را تا آخر به پیش برند . گرچه امروزه فعالین کارگری و تشکلات مستقل آنها در مقابل میلیونها کارگر بخش ناچیزی است ، اما اهمیت بسیاری دارد که کارگران آگاه بدانند ، ترکیب تشکل مستقل کارگری و فعالان کارگری را چه کسانی رهبری می کنند . خود فریبی است که فعال کارگری بصرف داشتن آگاهی و مبارزه ای که برای سازماندهی کارگران انجام می دهد ، خود را دور از تمایلات خرده بورژوازی و سوسیال دموکراسی ببیند ، مخصوصا اگر امکانات کاری خود را بر همان اساس بنا کند ! مگر می شود از سرمایه داران و پیمانکاران بزرگ که کارگران را به استثمار خود در می آورند انتقاد نموده و خواستار حذف آنها گردند ، اما چند فعال بصرف اینکه مبارزه می کنند خود کارگاه و پیمانکاری کوچکی راه انداخته و یا کسبی را عهده دار باشند ! نمی توان و نباید آنها را از مبارزه حذف نمود ، اما می توان و باید از قرار گرفتن آنها در راس تشکلات مستقل جلوگیری نمود . آنها باید بدانند که خود برای سرانجام یافتن مبارزه و محو سلطه طبقاتی ، باید آگاهانه از نقش رهبری فاصله گرفته و همچون پلی برای ارتقای کارگرانی باشند که می دانند مبارزه را تا آخر دنبال خواهند کرد.

مگر لنین روشنفکری مسول و آگاه نبود و گرچه از سایرین متفاوت بود ، مگر استالین کار کارگری نکرده بود و فراوان بودند در میان رهبران حزب بلشویک که چه کارگر و چه روشنفکر انقلابی بودند ، اما نتیجه روشنفکران و کارگران حرفه ای شده بکجا منجر گردید ! لنین حداقل توانست تئوری خود را در مبارزه ثابت کرده و انقلاب سوسیالیستی را در کشور پیاده کند ، هرچند ترکیب اعضای رهبری حزب و سانترالسمی که جایگزین دموکراتیسم شده بود ، در ادامه منجر به دیکتاتوری استالین در حزب گردید . مگر نبودند در ایران کسانی که باوجود کوشش فراوان بدلیل جایگاه و پایگاه طبقاتی خود نتوانستند به مبارزه برای ایجاد جنبش کارگری تا آخر ادامه دهند و دیگرانی که مبارزه طبقاتی را فدای توجیه الویت مسائل سیاسی منطقه ای کردند ! مگر نیستند روشنفکرانی که در کنج اتافی نشسته و در کمال آرامش تنها با مقایسه آثار لنین و سایر متفکرینی که دانش خود را در مبارزه طبقاتی کسب کرده بودند ، با اتفاقات داخل کشور ملغمه ای به اسم مقالات کارگری و مارکسیستی تحویل سایتها می دهند ، اما خود قدمی در پراتیک درون طبقه کارگری بر نمی دارند تا حداقل روشن گردد که گفته هایشان عملی نیست . بیگانگی از خود تنها شامل کارگران نیست و این بیگانگی گردن بسیاری از فعالان چپ و کارگری را نیز می گیرد ، اگر بخواهد به چنین خود فریبی ادامه دهد . پالایش تشکلات مستقل کارگری اصولا بخشی از مبارزه طبقاتی است و باید توسط فعالان کارگری انجام گردد ، این موضوع حتی شامل کارگران آگاه نیز می گردد اگر بخواهند تنها نقش مبارز حرفه ای را بازی کنند . دموکراسی کارگری درون نهادهای کارگری زمانی قدرت می یابد که در پروسه جنبش کارگری استحکام یافته و اجازه ندهد تا بوروکراسی حزبی به تثبیت رهبری بیانجامد.

چنانچه پیش بینی می شد ، اعتراضات و تجمع های کارگری نسبت به ماههای گذشته بیشتر شده و با توجه به اینکه دولت قادر به کنترل بحران اقتصادی و بیکاری نخواهد بود ، بازهم افزایش خواهد یافت . جناحهای حکومت از طرفی درگیر انتخابات ریاست جمهوری در پیش بوده و از طرف دیگر باید به قدرتهای غربی بفهمانند که ثبات رژیم بیشتر بسود آنهاست تا آوردن اصلاح طلبان و یا بخشی از اپوزیسیون خارج کشوری که روشن نیست چه نقشی را پس از بدست گرفتن حکومت بازی خواهند کرد . کارگران باید درک کنند که از اضافه حقوق بیشتر که اگرهم داده شود درد آنها را دوا نخواهد کرد ، خبری نیست و مسولان رژیم با توجه به ادامه تحریم و کمبود ارزی که از فروش کمتر نفت بدست می آید و لذا باید با نرخ بیشتری دلارشان را بفروشند تا هزینه های حقوق ، یارانه ، رانتهای وابستگان ، بودجه انرژی هسته ای و هزینه های برون مرزی را بدهند . آینده تاریکی در پیش پای کارگران هست و نباید فریب حرفهای مسولان تشکیلات زرد کارگری را بخورند که بازهم میخواهند از کارگران بعنوان ابزار انتخاباتی استفاده کنند . این وابستگان جناحهای حکومت که اکنون اجازه حمله به مسولان دولتی را دریافت نموده اند ، مدام از اضافه حقوق ۶ ماه دوم سال ، کارت اعتباری ، کوپن ارزاق عمومی ، تغییر قانون کار و موارد دیگر زده و با توجیه تعطیل نشدن واحد های تولیدی و عدم بیکاری بیشتر ، از دولت خواهان تسهیلات بانکی برای سرمایه دارانی شدند که در گذشته سودهای سرشاری از استثمار کارگران برده اند . اینروزها خانه های کارگر و انجمنهای اسلامی بسیار فعال شده و کنگره های خود را برای جلب اعتماد کارگران در استانهای مختلف برگزار می کنند ، گرچه گاه اظهار می کنند که تعداد انجمنهای کارگری و اعضای آنها بر مراتب کمتر شده است . افشاگری از این وابستگان زرد کارگری ، اهمیت زیادی دارد تا به کارگران بفهمانند که نه اینها علاقه ای به وضعیت بهتر کارگران داشته و نه اینکه باور دارند از این دولت و قانون کار می توان کاری برای کارگران انجام داد .

سازمان تامین اجتماعی که از سهم بیمه کارگران فریبه شده به سرمایه دارانی که ماهها حق بیمه خود را نپرداخته اند ، فرجه چند ماهه میدهد تا بدهی خود را بدون تاخیر دیرکرد بپردازند ، اما هیچکس ب فکر کارگرانی نیست که نه تنها ماهها حقوق کارکرد خود را نگرفته اند ، بلکه بسیاری از آنها بدلیل نپرداختن حق بیمه از طرف کارفرماها ، قادر به استفاده از همین بیمه دست و پا شکسته نیستند ! تعداد کارگران بیمه شده در سالهای اخیر به نسبت حجم میلیونی کارگران کم بوده و تعداد آنهايي که بدلیل تعطیلی واحدهای تولیدی بیکار شده و توانسته باشند بیمه بیکاری بگیرند ناچیز است که تازه چند ماه طول می کشد تا کارگری قادر به دریافت حق بیمه باشد . کارگران بازنشسته نیز که بیشتر با حداقل حقوق کارشان باتمام رسیده وضع بهتری ندارند و باید چند ماه تحمل کنند تا اولین بیمه ناچیز آنها پرداخت گردد ، روشن است که سرمایه عظیم سازمان تامین اجتماعی با اینهمه شرکت واگذار شده دولتی و با سرپرستی مرتضوی قاتل نصیب وابستگان دولت و حکومت می گردد و نه کارگرانی که برای قرارداد موقت هم باید صافه و چک به کارفرماها بدهند . هنوز اکثر کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی ها به استخدام رسمی نیامده و بوروکراسی اداری کار را کش می دهد ، هنوز حقوق کارگران صنایع فلزی با چندین تجمع پرداخت نشده ، هنوز بازنشستگان ذوب آهن منتظر حل مشکلشان هستند ، هنوز رانندگان اتوبوسرانی شرکت واحد تهران با وجود تجمع به مزایای رسمی شهرداری دست نیافته اند ، هنوز جوابی به ۲۰،۰۰۰ امضای کارگران داده نشده ، همزمان تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی در یک ماه اخیر موجب بیکاری بسیاری از کارگران شده است ، موارد بسیار است که بخشی از آنها در پیوست آورده شده اند .

کارگران آگاه و فعالین کارگری درک کرده اند که امکان تغییر زندگی کارگران با این حکومت وجود ندارد ،

اما نیک دانسته اند که باید کارگران را در مبارزات صنفی همراهی کرده و کوشش کنند تا بخشی از خواسته ها نیز عملی گردند تا کارگران بقدرت و نیروی دستجمعی خود پی ببرند . حکومت در آینده دو راه بیشتر ندارد ؛ یا در پوشش غنی سازی به تدریجی ادامه دهد که این تفکر محوری ولایت فقیه و پیروانشان برای ثبات رژیم است و یا اینکه با کجدار و مریز غرب را متقاعد به مذاکره برای بقای خود بنمایند که در هر دو صورت با کشاندن بحران به سوریه و سایر کشورها خود را از خطر جنگ دور نگاه دارد . قدرتهای غربی نیز تا زمانی که بقای رژیم برای تجارت نفت و اسلحه مفید باشد ، با تکیه محوری به ایجاد تحریمهای بیشتر به همراه بها دادن به اپوزیسیون خارج کشوری و پیش کشیدن مقطعی نقض حقوق بشر در ایران ، به مذاکره ادامه می دهند تا اینکه با رژیم به تناقض بکشند . کارگران چاره ای جز مبارزه طبقاتی ندارند و بر فعالین است که در پروسه اعتراضات ، نامه نگاریها ، اعتصابات و تجمع های کارگران به سازماندهی آنها برای ایجاد نهادها و تشکلات مستقل بپردازند . اگر وابستگان زرد خانه کارگر و سایر تشکیلات مشابه با توجیه خواسته های کارگران در پی ایجاد کنگره و بسیج کارگران برای انتخابات و تحکیم تشکیلات خود هستند ، آگاهان کارگری نیز باید هشیار باشند تا در این پروسه و با وجود سرکوب ، مبارزه صنفی کارگران را جهت داده تا در پی ایجاد تشکلات مستقل باشند . اگرچه مسولان زرد کارگری با بزرگنمایی اعضای کارگری خود ، قصد افزایش کمیتی خود هستند ، اما روشن است که هیچکدام از اعتراضات و تجمع های کارگران با کوشش و تایید آنها شکل نگرفته است و هیچگاه آنها پشتیبانی از چنین حرکاتی نکرده اند ، اما دلیلی نیست تا حجم کار فراوان جلوی کارگران آگاه و فعالین کارگری برای سازماندهی کارگران ذکر نگردد تا روش شود تا ایجاد جنبش کارگری چه راه طولانی در پیش است.

گروه پژوهش کارگری آبان ۱۳۹۱

پیوستها:

http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/10/blog-post_16.html

http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/08/blog-post_9517.html

http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/07/blog-post_07.html

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2635>

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2633>

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2636>

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=

[1112:n-n-&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27](http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1112:n-n-&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27)

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15421>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15352>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15060>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=14802>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=13882>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=14619>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=13756>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15581>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15519>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=15411>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=13266>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=12097>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=11637>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=10731>